

عدالت در بعد اجتماعی بآنکه از شریف‌ترین انگیزه‌های انسانی است، معیار قانونمندی و تنظیم نظام اجتماعی و اقتصادی نیز هست. اقتضائات عقلی عدالت، قابلیت تعمیم دارد و می‌توان مبتنی بر آن سیاست‌گذاری کرد. عدالت در عین ایجاد توازن در زندگی اجتماعی و مادی بشر، در ذات خود پویایی و تکامل روحی و معنوی آحاد جامعه را فراهم می‌آورد و بدون واسطه به فضائل انسانی و اخلاقی مرتبط می‌شود و از این حیث است که باید مناسبات «عدالت فردی» و «عدالت اجتماعی» را بازکاویید و در خلال بازخوانی این مناسبات، به بررسی اقتضائات «عدالت ساختاری» پرداخت؛ چراکه عدالت صرفاً صفتی برای وضع مطلوب و آرمانی جامعه نیست، بلکه به مثابه یک روش برای تکامل بخشیدن نسبی به تنظیمات و ساختارهای اجتماعی در هر برهه از زمان تلقی می‌شود که ایجاد رشد متوازن حق مدار در سطوح مختلف را به دنبال دارد.

عدالت ساختاری یا عدالت تنظیمی ناظر به ساخت زیربنای بینشی و نهادی و رفتاری در جامعه به طور عام و در اقتصاد به طور خاص صورت‌بندی می‌شود؛ به گونه‌ای که اوضاع عمومی جامعه را برای رسیدن به حق و ایفای حقوق، به صورتی درونی و ساختاری تسهیل کند. عدالت حقوقی نیز به عنوان ناظر بیرونی، بی‌عدالتی‌هایی را که اختیار انسان‌ها به وجود آورده است اصلاح کرده و حقوق را استیفا می‌کند. آنچه در علوم اجتماعی و اقتصادی برای تنظیم جامعه مطرح است، عدالت ساختاری به مثابه عدالت تنظیمی است. به عبارت دیگر، باید دانست که چگونه نظام‌ها و ساختارها و دستگاه‌ها، بر مبنای عدالت تنظیم می‌شوند و همچنین چه اصولی را باید در تنظیم ساختارها مورد توجه قرار داد.

بر این اساس می‌توان افزود که سازکار ایجاد عدالت ساختاری و تغییر ساختاری نظام اقتصادی مبتنی بر عدالت، از چند فرایند تشکیل شده است:

۱. **نسبیت تکاملی تنظیمات:** اصولاً تنظیمات اجتماعی دارای مراتب بوده و نسبی است و در هر مقطعی از انتزاع، می‌توان تنظیم خاصی از یک نظام اجتماعی مطلوب را به دست آورد. نسبیت تکاملی تنظیمات، در تقابل با سطوح تکامل حقوق اجتماعی شکل می‌یابد. به طوری که هر نظام حقوقی اجتماعی، تنظیم جدیدی را می‌طلبد و هر تنظیمی در هر مقطعی از مقاطع تکاملی اش، نظام حقوقی نوینی را نتیجه می‌دهد. این سلسله طولی و عرضی همواره در کنش و واکنش متقابل است و به این ترتیب، تحول و حرکت تکاملی اجتماع و دینامیسم حرکتی آن صورت می‌پذیرد؛ برای مثال «حق حیات فرد» نسبت به جامعه و دولت، از حقوق اولیه‌ای است که منشأ آن وجود و حیات بشر است و تحقق این حق به تأمین آب، غذا، مسکن و پوشاک است، به طوری که انسان فقط با این حداقل‌هاست که می‌تواند به حیاتش ادامه دهد. همچنین می‌توان